



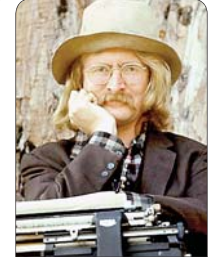
تهران : آذان ظهر:۱۲:۱۸ آذان مغرب ۱۸:۱۲ آذان صبح فردا ۵:۱۷ طلوع آفتاب ۶:۴۱

شتر

روزنامهٔ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی‌خیابان فلسطین، کوچه پربادان غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷-۳۷
نمبر: ۸۸۹۸۶۸۲۸-۸۸۹۸۶۸۲۰-۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳-۲۲-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhdaily.ir

روزنامه

شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۱ | ۲۲ ربيع الثانی ۱۴۳۴ | ۲۳ فوريه ۲۰۱۳ | سال دهم - شماره ۱۶۷۹ | ۱۲صفحه + ۱۶ صفحه ضمیمه



شعرهای عاشقانه «ریچارد براتیگان» منتشر شد

ایسنا: شعرهای عاشقانه «ریچارد براتیگان» در یک مجموعه در ایران منتشر شد. مجموعه شعر «در عشق باران می‌بارد» اثر ریچارد براتیگان با ترجمه «علیرضا بهنام» از سوی انتشارات «سسرزمین اهورایی» به چاپ رسیده است. بهنام در توضیحی می‌گوید: در این کتاب شعرهایی از براتیگان با رویکرد غنایی از میان هشت مجموعه شعر منتشرشده و شعرهای پراکنده او در گزینه‌های گوناگون انتخاب شده است. این شعرها در نوع خود نگاهی دیگرگون و متفاوت به مقوله عاشقانه‌نویسی دارد.

نقد فرهنگ

دانالد ریچی: یک آمریکایی در زاپن



● **روبرت صافاریان**

● دانالد ریچی، کسی که مشهور است سینمای ژاپن را به دنیا معرفی کرد، چند روز پیش درگذشت. ریچی اما تنها تاریخ‌نگار سینما نبود. او درباره فرهنگ ژاپن نیز کتاب‌ها نوشته و همه‌هم‌وغمش این بود که ژاپن واقعی را به آمریکایی‌ها معرفی کند. او رمان‌نویس و فیلمساز تجربی هم بود و برخوردش به ژاپن برخوردی بسیار شخصی است. سخنان خودش پیچیدگی تجربه «خارجی بودن» را به خوبی نشان می‌دهد.
«... کشور خودم را با سینما شناخته بودم و بنابراین می‌توانستم از فیلم‌های ژاپنی هم چیزی درباره ژاپن بی‌آموزم. یواشکی می‌رفتم تو و نه سالن می‌ایستادم و فیلم‌های ژاپنی را می‌دیدم. به زبانی که نمی‌فهمیدم، اما وقتی شما فیلم‌هایی را تماشا می‌کنید که زیرنویس هم ندارند و هیچ منوچه نمی‌شود این زنی که قهرمان فیلم با او حرف می‌زند مادرش است یا محبوبه‌اش، چیزهایی یاد می‌گیرید راجع به انتخاب‌هایی که کارگردان کرده است. متوجه می‌شوید او چرا فلان حرکت را انتخاب کرده است و نه آن حرکت دیگر را اینجا دیگر داستان مزاحمان نیست، دنبال کردن دیالوگ‌ها حواس‌تان را پرت نمی‌کند ... همه اینها فرصت یک نوع آموزش دیگری را در اختیار شما می‌گذارند. جور دیگری از فهمیدن را که در مورد سینما بیشتر هم صدق می‌کند. و از راه زبان سینمای آنها، زبان مهم‌تری را یاد می‌گیرید... زبان حرکت بدن، ادا و اطوار، نگاه‌ها، بیان چهره و...»

دانالد ریچی کتابی درباره «کوروساوا» و کتابی درباره «یاسوجیرو آزو» نوشته است. او در پاسخ این پرسش که از او چه نظر با بیشتر کارگردان‌های آمریکایی فرق دارد، می‌گوید:
«پارادوکس این است که آزو بیش از هر کس دیگری از فیلم‌های آمریکایی آموخته است. منتها از سینمای دهه ۲۰ آمریکا – از سینمای علامه‌پسند آمریکا اگر فیلم آمریکایی دار و دسته را ندانستیم، احتمالاً فیلم‌های کمدی کودکان فوق‌العاده او مانند زاده شدم، اما... و غیره را هم نمی‌دانستیم. پارادوکس اینجاست که او این چیزها را گرفت و آنها را در خدمت خودش به کار برد. او شگردهای سینمای ابتدایی را گرفت و به پیچیده‌ترین نحو از آنها استفاده کرد. هر گونه پِن (حرکت افقی دوربین) و دالی (حرکت دوربین روی چرخ) را کنار گذاشت، تا یک جور نقطه‌نگاری را که برش ساده باشد مجاز دانست، یعنی حذف هر نوع هم‌آمیزی دو تصویر و محو شدن تدریجی تصویر... و اینها به بسیاری از منتقدانه ژاپنی و غیرژاپنی – اجازه می‌دهد درباره ساختار «هایکو» مانند فیلم‌ها و حرف بزنند، منظور امساک او در استفاده از عناصر متنوع است که آن را ژاپنی می‌دانند. و تا آنجا که من می‌دانم ژاپنی هم هست. اما نکته این است که همه اینها بیش از هر چیز ازویی هستند.»

همه اینها بیش از هر چیز ازویی هستند. در کلی گویی درباره فرهنگ ژاپن این فردیت ازوست که گم می‌شود و دانالد ریچی ما را به توجه به این فردیت دعوت می‌کند.
«ها ژاپن را به نادرست به عنوان چیزی یکپارچه و متجانس تعبیر می‌کنیم. به عنوان مردمی که چهره‌های‌شان مثل هم است و طرز فکرشان یکی است. این واقعیت ندارد. منظورم این است که این در مورد هیچ مردمی واقعیت ندارد. مردم در ژاپن همان مردم متنوعند که در بروکلین. اما به دلایل سیاسی، از آنجا که همه کشورها به «دیگری»‌ای نیاز دارند که خودشان را با آن مقایسه کنند، ژاپن به عنوان این «دیگری» به کار گرفته شده است ... این دیگری امروز، معامی و غیره و غیره... درست همین حالا، زبانی که پدیده یکپارچه بزرگ است. ژاپن یعنی «آنها» یعنی «دیگری» چیزی که با مقایسه خودمان با آن می‌توانیم خودمان را تعریف کنیم. دوست داشتم این کشور را آن طور که واقعا هست نشان دهم (و حقیقتاً اینکه تا حدودی هم این کار را کرده‌ام) و به این جور خزعبلات سیاسی پایان دهم.»

تصور ریچی درباره موقعیت یک بیگانه نیز از کلیشه‌های رایج دور است.
«ژاپنی‌ها کم یا بیش بیگانه‌گریزند. و من دریافت‌ام که این خیلی باب طبع من است... من بیگانگی را چیزی بسیار مثبت، قوی و زیبا می‌دانم... . در واقع بهترین صندلی خاله را دارم. به هیچ جا تعلق ندارم. یک واحد اجتماعی تکفره هستی. چیزی آزادتر از این را نمی‌توانیم تصور کنیم. به هیچکس جز خودت تعلق ندارم.»

«در ژاپن احساس می‌کنم در وطنم، دقیقاً به این علت که در آن بیگانه‌ام.
«نگاهی به اینجا می‌اندازم و نگاهی به آنجا، یک دید کامل و در موقعیت ممتازی قرارداری که بنوایی چیزها را مقایسه کنی و فقدان هماهنگی و بعضی وقت‌ها وجود هماهنگی میان آنها را توصیف کنی.»
بله، یک آمریکایی در ژاپن، اما نه یک ژاپن یکپارچه و صلب و نه یک آمریکایی نمونه‌وار.

مرگ مولف

جوایز «گلشیری» اهدا شد

تقدیر از دولت آبادی و همواره نوشتنش



شرق: دوازدهمین دوره جایزه هوشنگ گلشیری در اواخر زمستان، روز گذشته (جمعه، چهارم اسفند) در میان جمعی از اهالی ادب و فرهنگ برندگان خود را اعلام کرد.

مهم‌ترین جوایز مستقل ادبی است که هنوز بر گزار می‌شود. فرانزه طاهری (رییس بنیاد گلشیری) ابتدای این مراسم که در منزل بهمن فرمان‌آرا برگزار شد، گفت «این چهارمین سالی است که این مراسم نه در یک سالن عمومی، که در منزل شخصی برگزار می‌شود.» این جایزه که امسال با ایجاد تغییراتی در ساختار ونحوه داوری تنها کتاب اول‌ها را بررسی کرد، در بخش مجموعه داستان اول: «فارسی بخند» نوشته سپیده سیوشی و «من ژانت نیستم» نوشته محمدطوبی را به طور مشترک شایسته دریافت جایزه دانست. در بخش رمان اول نیز جایزه گلشیری، رمان «قلعه مرغی» روزگار هرمی» نوشته سلمان امین را به عنوان برگزیده اعلام کرد. هیات داوران این بخش؛ هلن اولیایی‌نیا، شاپور بهیان، علی خدایی، مهدی ربی و فرهاد کشمیری، دلایل انتخاب این مجموعه داستان را چنین اعلام کردند: توجه به لایه‌های پنهان خودآگاهی شخصیت‌ها و پرداختن به تعارضات معمول ولی ناپیدای آنان، استفاده مناسب از عنصر گفتگو در جهت ساخت شخصیت‌ها، خلق داستان‌هایی ایده پرراز در کنار قصه‌گویی مناسب و تلاش در جهت کشف و شرح فضاهای زندگی معاصر ایرانی و خلق روایتی ظریف انسانی بین افسرد درون خانواده. در مورد مجموعه داستان «من ژانت نیستم» نیز ترسیم دنیای گروه‌هایی از جامعه که در سال‌های اخیر کمتر به آن اشاره شده، استفاده از ماجرا و رمانس منعکس شده از داستان‌های کهن، فضاسازی خلاقانه، شخصیت‌پردازی مناسب و زبان داستانی پاکیزه، از دلایل انتخاب این مجموعه توسط داوران اعلام شد. داوران بخش رمان اول: فرشته احمدی، محمد حسینی، کامران سپهران، عنایت سمیعی، بهناز علی‌پورگسکری نیز رمان «قلعه مرغی؛ روزگار هرمی» را به دلیل توفیق نسبی در خلق شخصیت جوانی از قشر فرودست جامعه، کارکرد موفق عنصر طنز، ایجاد تصاویر قانع‌کننده از مناطق جنوب شهر تهران، به‌کارگیری رویکردی مدرن در رمان، به عنوان رمان اول

رویداد

غافلگیری کیارستمی در «ارمغان غربی»

پرویز براتی

مقصد، پلاک ۱۱ ساختمانی بازسازی شده در خیابان ارمغان غربی تهران است. با اینکه جرقیل، ورودی خیابان را برای برآفراشتن یک ساختمان بلند مرتبه مسود کرده و باید از خیابان‌های اطراف به این ساختمان رسید، جمعیتی چند هزار نفری موانع را پشت سر گذاشتند تا از جدیدترین عکس‌های «عباس کیارستمی» در گالری تازه‌تأسیس «پوم» دیدن کنند شبی باشکوه برای هنر ایران و البته برای کیارستمی که به تازگی کارگاه‌های فیلمسازی‌اش را در استراسبورگ به پایان برده و ۲۴ اثر دیدنشدنش را برای موهلطان به ارمغان آورده است. شب گذشته در افتتاحیه نمایشگاه عکس‌های کیارستمی چهره‌های آشنا زیاد بودند، آتقér که از قلم افتادن برخی‌شان پوشش می‌خواهیم، بهمن فرمان آرا، داریوش شایگان، محمود دولت‌آبادی، مهدی الهی قمشه‌ای، رضا کینایان، کوروش شیشه‌گران، هدیه تهرانی، پرویز پرستویی، سامان مقدم، پرویز کلاتری، پری منصور ملکی، مرتضی کاظمی، علی قربانزاده، افشین پیرهاشمی، علیرضا سمیع‌آذر، همایون ارشادی، پری ونش گنجی، رضا اسماعیل‌نیا، نصرت‌الله مسلمیان و خیلی‌های دیگر. کیارستمی در سه سالن جداگانه این گالری، مجموعه «سفیدپرفی» خود، راوری دیوار برده عکس‌هایی سیاهوسفید مربوط به ۱۰ سال گذشته در ابعاد دو تا سه متر که نمایش آنها با پایان فروردین ۱۳۹۲ ادامه دارد. در اتاقکی کوچک هم، فیلم «جادها»، روی پرده رفته‌بود. کیارستمی که روز گذشته سوره اول نگاه‌ها و دوربین‌ها بود، نتوانست غافلگیرشود خود را از این همه استقبال پنهان کند. با این حال در پاسخ به سوال «شرق» که انتظار چنین غافلگیری‌ای را داشت، می‌گوید: «مردم در شرایطی قرار دارند که از حرکتی که احساس‌ات‌شان را قدری تهییج کند، استقبال می‌کنند. قبل از گفت‌وگو با او، داریوش شایگان در سخنانی کوتاه نگاه دوست دیرین خود را به مقوله عکس تحسین می‌کند. شایگان که جزو اولین بازدیدکنندگان است به ما می‌گوید: «از عباس کیارستمی توقع داشتم که این طور خوب و تحسین‌برانگیز ظاهر شود. همیشه کارهای کیارستمی درجه یک است و این عکس‌ها هم مثل همیشه زیباییست» کیارستمی همواره یکی از علائق و دغدغه‌های روزانش را پرداختن به کارهای بصری و عکاسی دانسته و تاکید می‌کند: «تنها چیزی که می‌تواند پشتوانه این ادا باشد، کارهای جدیدم است. در حال حاضر چهار، پنج مجموعه عکس جدید دارم که هنوز کسی آنها را ندیده و عرض‌شان به دلیل نبود فضای مناسب فعلاً امکان پذیر نیست.» او ترجیح می‌دهد نام آثار را که به

ثبت یک تولد

سعید پورصمیمی ◀ **بازیگر و کارگردان**
هنرمند برجسته تئاتر و سینمای ایران در نهم اسفند ۱۳۲۲ در تهران متولد شد. شروع کار بازیگری او از سال ۱۳۴۰ با تشکیل گروه پازار گاد به همراه حمید سمندریان، پرویز پورحسینی، پری صابری و پرویز فنی‌زاده بود. او با گذراندن دوره‌های بازیگری و کارگردانی در دانشکده هنرهای زیبا و گرفتن مدرک کارشناسی تئاتر در رشت، کارمند اداره تئاتر شد. عمده کارهای او در زمینه بازیگری تئاتر، آندورا، پژوهشی ژرف و سترگ استنا و قاعده، ریچارد سوم، بازی‌رسی، خسیس و هنر است. او پس از سال‌ها تلاش در تئاتر، بازیگری در سینما را از سال ۱۳۶۵ با فیلم «خاندا خورشید» به کارگردانی ناصر تقوایی شروع کرد. که برایش سینمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد مکمل جشنواره فجر آن سال را به ارمغان آورد. او همچنان در سینما و تلویزیون فعال است و البته خیلی کم تن به مصاحبه می‌دهد، خیلی کم!

ویکتور هوگو ◀ **شاعر و نویسنده**
«آزادی ما از نقطه‌ای شروع می‌شود که آزادی دیگران پایان می‌یابد.» این جمله ماندگار از «بینوایان» ویکتور هوگوست، نویسنده‌ای که در کتابش تصویر راستین سیمای مردم فرانسه در قرن نوزدهم را بازتاب می‌دهد. ویکتور ماری هوگو که در ۲۰ فوریه ۱۸۰۲ به دنیا آمد در زمان حیاتش همواره به دلیل داشتن عقاید آزادخواهانه و سوسیالیستی و حمایت قلمی و لفظی از طبقات محروم جامعه، مورد خشم سران دولتی و حکومتی بود و با وجود فشارهای چون سانسور، تهدید و تبعید هرگز از آرمان‌های بلند خود دست نکشید.

مرتضی حنانه ◀ **موسیقیدان**
مرتضی حنانه در ۱۱ اسفند ۱۳۰۱ در خانواده‌ای که اکثر آنها به شغل مهندسی اشتغال داشتند متولد شد. پدر او محمد حنانه به استعداد پرش در زمینه موسیقی بی‌پی‌رد و پس از پایان دوره دبستان او را به هنرستان موسیقی می‌فرستد. در آن زمان هنرستان موسیقی تحت نظارت ۱۰ موسیقیدان چک اداره می‌شد. حنانه در سال ۱۹۶۵ از طرف رادیوی ایران و بنا به دعوت یونسکو، به «ریبون انترناسیونال آهنگسازان رادیو و تلویزیون» اعزام شد و در آنجا قطعاتی از «فورتاپیو» اثر خود را اجرا کرد که از رادیوی ایرلند و سوییس پخش شد.

گزارش یک مرگ

پرویز فنی‌زاده ◀ **بازیگر**
بازی در سریال‌ها و فیلم‌های ماندگاری چون سلطان صاحبقران، دایی جان ناپلئون، رگبار، خشت و آینه، گوزن‌ها و همکاری با کارگردان‌های بانامی چون ابراهیم گلستان، ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی برای عمر ۴۲ ساله بازیگری چون فنی‌زاده کافی بود تا او را تبدیل به ستاره زمان خودش کند. او که در پنجم اسفند ۱۳۵۸ در بیمارستان ایرانمهر تهران درگذشت، در سن ۲۸ سالگی به گروه تئاتر پازار گاد پیوسته بود و با بزرگانی چون حمید سمندریان، پرویز پورحسینی، پری صابری و... در عرصه تئاتر همکاری داشت و در نهایت با مرگی نلهمکن در اثر بیماری کزاز، بازی‌اش در فیلم «عدایی» محمدمدقصر خسروی را نیمه‌تمام گذاشت. پس از او رضا کرهرضایی این نقش را به پایان رساند.

غلامحسین بنان ◀ **خواننده**
غلامحسین بنان - یکی از اساتید مسلم موسیقی ایران - در اردیبهشت ۱۲۹۰ شمسی در روستای انگهرود از بخش نور شهرستان آمل به دنیا آمد و در هشتم اسفند ۱۳۶۴ در ۷۴ سالگی در تهران درگذشت. او در آواز به مکتب علینقی وزیر و روح‌الله خالقی گرایش داشت و یکی از هنرآموزان آواز در هنرستان موسیقی ملی و عضو ارکسترهای مختلف رادیو تهران بود. از جمله آثار او می‌توان به صفحات گرامافون همراه با نوازندگان مختلف و برنامه‌های رادیویی همراه با ارکستر «گل‌ها» و «کنوان» آن اشاره کرد.

علی‌اکبر دهخدا◀ **استاد ادبیات فارسی**
علی‌اکبر دهخدا از خیره‌ترین و فعال‌ترین استادان ادبیات فارسی در روزگار معاصر است. لغتنامه بزرگ دهخدا که در بیش از ۵۰ جلد به چاپ رسیده است، شامل لغات زبان فارسی با معنای دقیق و اشعار و اطلاعاتی درباره آهنگست و کتاب امثال و حکم که شامل همه ضرب‌المثل‌ها و احادیث و حکمت‌ها در زبان فارسی است. دهخدا به غیر از زبان فارسی به زبان‌های عربی و فرانسوی هم تسلط داشته است. او مبارز جدی و کوشایی نیز در انقلاب مشروطه محسوب می‌شد. او مبارزه را نیز از نوشتن ادامه می‌داد و مطالب خود علیه سلسله قاجار را در روزنامه صور اسرافیل که از روزنامه‌های فروش و مطرح آن زمان بود چاپ می‌کرد. او در هفتم اسفند ۱۳۳۴ در ۷۷ سالگی درگذشت.

قلم‌انداز

دوستی از دوران دیرین



● **سیروس ابراهیم‌زاده**

● یک ساعت و اندی است که در کافه تریای فرودگاه نشتام، منتظر دوستی دیرین که طیاره‌اش بنشیند؛ «گودرز گیلانی». در ایتالیا زندگی می‌کند و استاد ممتاز دانشگاه است. از ابتدای انقلاب تاکنون او را ندیده‌ام. هواپیما تاخیر دارد. شب از نیمه گذشته حوصله‌ام سررفته نصفی از قرض ضدالخطراب ششپام را بالا می‌اندازم و برمی‌خیزم که بروم از اطلاعات پرواز علت تاخیر را بپرسم. پیرمردی با سرو و ریش بیشتر سپیده، چمدان به دست به سویم می‌آید. یعنی دوست من این قدر پیر شده؟ مثل اینکه شخص دیگری است. ولی چقدر چهارش آشناست. چشم در چشم هم می‌دوزیم. به نظر می‌آید او نیز در شناختن من تردید دارد. سراج‌نام او او می‌پرسم ببخشید شما «گودرز» هستید؟ او پاسخ می‌دهد:
- نه، من «گالیله» هستم.
- چی؟ «گالیله»؟
- بله، «گالیله نو گالیله یی»..

خودش بود مردی که بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ علم را رقم زد. پدر نجوم و فیزیک و... و لقب گرفت و با اینکه مطمئن بود زمین گرد است و دور خورشید می‌چرخد مصلحت‌اندیشی سترگی را برگزید و در دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطایی شهادت داد که زمین پت و پخت است و خورشید بی‌وقفه قربان - صفقش می‌رود و دورش می‌گردد. گفتم:
- خیلی از ملاقات شما خوشوقتم. بینم وقتی وارد شدید اینجا، مزاحمتی برایتان ایجاد نشد؟ سنی جیمی چیزی... ها؟

پرسیدم دفعه اوله که به تهران می‌آید؟
- نه دو سال پیش هم همراه بازرسان سازمان انرژی اتمی برای بازدید از نیروگاه‌های اتمی شما آمده بودم ولی مقامات طرفین صلاح ندیدند ورود مرا سه‌ای کنند.
- عجب...! عج نظراتن راجع به تهران بزرگ چیست؟
- یکی از زیباترین پایتخت‌های دنیاست... جدی می‌گویم! آب و هوای دلنشین و پارک‌های سرسبز پر از پرند، با مردمی ثروتمند و متمنن و خیر و درست.
- همه مغازه‌ها پر از جنس و لبه‌ها همه خندان و جیب‌ها پرپول. من حتی یک گدا در شهر شما ندیدم. چه تحریمی، چه کشکی؟ و دریغ از یک مورد دزدی کوچک... در رم و پایتخت‌های دیگر اروپایی پشت‌سر شما دروغ زیاد می‌گویند و تبلیغات سوء می‌کنند. کافی است گاهی سسری به اینجا بزنند تا واقعیت را به چشم خویش ببینند!
تا زمین دور خورشید می‌چرخد «گالیله نو گالیله یی» فرزند «وینچنزو» و ساکن فلورانس ایتالیا زنده خواهد ماند.

مخبر الدوله

تشیع پیکر «قاسم جلی» به تعویق افتاد
● تشییع پیکر «قاسم جلی» خواننده قدیمی که طبق اعلام قبلی قرار بود چهارم اسفند برگزار شود به زمان دیگری موکول شد. تعدادی از نزدیکان و دوستان این هنرمند دیروز در مقابل خانه هنرمندان حضور داشتند تا در مراسم تشییع پیکر قاسم جلی شرکت کنند اما پس از دقایقی بی‌خبری از چند و چون این مراسم، این محل را ترک کردند. «هوشنگ وزیری» که رییس انجمن ادبی هنری «بهار خفانی» است و در حال حاضر پیگیری کفن و دفن زنده‌باد جلی را برعهده دارد، گفته است: کفن و دفن قاسم جلی پیگیری‌های اداری دارد که باید انجام دهیم. فوت جلی به تعطیلی برخورد کرد و قرار است، شنبه صبح دستور دفن این هنرمند در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س)، از معاونت هنری وزارت ارشاد گرفته‌شود و به طور قطع طی‌کردن این مراحل تا ظهر طول خواهد کشید. احتمال زیاد این مراسم به یکشنبه موکول شود اما به طور دقیق‌تر اعلام خواهد شد.

واشتنگ: هیچ‌وقت با بازیگران سفیدپوست دوست نشدم

● **مهر:** «هنزل واشنتگن» بازیگر سرشناس آمریکایی اعلام کرد تا آنجا که بتواند از دوستی‌های هالیوودی دوری می‌کند و هیچ‌وقت با یک بازیگر سفیدپوست دوست نشده است. به گزارش آسوشیتدپرس، دنزل واشنتگن بازیگر هالیوود در مصاحبه‌ای اعلام کرد، خیلی با دوست‌های هالیوودی‌اش وقت نمی‌گذراند. واشنتگن ۵۸ساله گفت: حتی در خود صنعت سینما هم هیچ دوست بازیگری ندارم. تمام دوستام همان دوستان قدیمی‌ام هستند.